

۱. خلاصه و یافته های کلیدی گزارش سروی ایشیا فونديشن سال ۲۰۱۰

۱.۱ یافته های کلیدی

- در سال ۲۰۱۰، چهل و هفت فیصد (۴۷٪) از جوابدهندگان سروی میگویند که کشور در مسیر درست در حرکت است که این رقم نسبت به سالهای ۲۰۰۸ (۳۸٪) و ۲۰۰۹ (۴۲٪) افزایش یافته است.
- دلیل عمده این خوشبینی باز هم همانا موجودیت امنیت است که ۳۸ فیصد جوابدهنگانی که میگویند کشور در مسیر درست در حرکت است، آنرا تذکر داده اند. این فیصدی نسبت به سال ۲۰۰۹ (۴۴٪)، کاهش را نشان میدهد. همچنان چیزی بیشتر از یک سوم جوابدهندگان سال ۲۰۱۰ از بازسازی (۳۵٪) یاد آوری نموده، و گشایش مکاتب برای طبقه انات (۱۵٪) در جایگاه خویش منحيث سومین دلیل خوشبینی افراد در سال ۲۰۱۰ باقی مانده است، هر چند این رقم نسبت به سال ۲۰۰۹ (۲۱٪) کاهش یافته است.
- نا امنی مهمترین دلیل بدبینی ها نیز میباشد که از طرف ۴۴ فیصد جوابدهندگان میگویند کشور در مسیر نادرست در حرکت است، تذکر داده شده است. با اینحال، تعداد کسانی که در سال ۲۰۱۰ از نا امنی یادآوری کرده اند به تناسب سال ۲۰۰۹ (۴۲٪) اندکی افزایش یافته است. همچنان تعداد کسانی که از فساد اداری منحيث عامل بدبینی شان یادآوری کرده اند نسبت به سال ۲۰۰۹ (۱۷٪) در سال ۲۰۱۰ (۲۷٪) افزایش قابل ملاحظه کسب نموده است. سایر دلایل بدبینی سروی شده گان شامل حکومتداری ضعیف (۱۸٪) و بیکاری (۱۶٪) میباشد.
- نا امنی (بشمول حملات، خشونت و تروریزم) از سوی بیش از یک سوم (۳۷٪) جوابدهندگان بزرگترین مشکل افغانستان تلقی میگردد، بخصوص در جنوبشرق (۵۱٪)، غرب (۴۳٪) و جنوبغرب (۴۲٪). بیکاری که توسط ۲۸٪ جوابدهندگان تذکر یافته است جایگاه دوم را حفظ نموده است. بیست و هفت فیصد جوابدهندگان فساد اداری را منحيث سومین مشکل بزرگ کشور عنوان میکنند، علاوه بر آن این رقم نسبت به سال ۲۰۰۹ (۱۷٪) افزایش چشمگیر نموده است. سایر معضلات مانند اقتصاد ضعیف (۱۱٪)، کمبود تعلیم (۱۱٪) و فقر (۱۰٪) نیز کماکان در قطار بزرگترین مشکلات افغانستان قرار دارند.
- بیکاری باز هم چه در سطح ملی (۲۸٪) و چه در سطح محلی (۲۶٪) از جدی ترین مشکلات بحساب می آید. سایر مشکلات عمده در سطح محلی مانند سال گذشته مربوط به زیربناها و عرضه خدمات بوده که نداشتن برق (۲۸٪)، سرک ها (۲۴٪)، آب (۲۲٪) و نبود شفاخانه ها/کلینیک ها و مراکز صحی (۱۷٪) میباشد.
- بیش از نصف سروی شده گان (۵۴٪) از مصئونیت شخصی خود در محل بودباش شان ابراز نگرانی میکنند. اما تعداد بمراتب بیشتر جوابدهندگان در حوزه غرب (۶۶٪)، شمالشرق (۶۴٪) و جنوبشرق (۶۱٪) نسبت به سایر نقاط کشور میگویند گاهگاهی از بابت مصئونیت خویش نگران بوده اند. همچنان میزان واقعات جرمی و خشونت که در مناطق جنوبشرقی و شمالشرقی جوابدهندگان مذکور را متأثر ساخته است از سال ۲۰۰۹ بدینسو افزایش قابل ملاحظه یافته است.
- هفده فیصد جوابدهندگان این سروی گفتند که خودشان یا یکی از اعضای فامیل شان در سال گذشته قربانی خشونت یا جرم شده اند. شایعترین نوع جرم باز هم حمله فیزیکی و ضرب و جرح (۳۵٪) بوده که به تعقیب آن اخاذی ها (۱۲٪) و انواع دزدی ها (۱۰٪ - ۱۲٪) قرار میگیرند. تقریباً یکنواختی از جمله هر ده تن قربانی اذعان نمودند که واقعه که برای آنها رخ داد ناشی از فعالیت های ملیشه ها و شورشیان (۹٪)

بوده و یکتن از جمله هر شانزده تن قربانی واقعه ناشی از فعالیت های نیروهای خارجی (۶٪) بوده اند. از خشونت های ناشی از فعالیت های نظامی/شورشیان بیشتر در مناطق مرکزی/هزاره جات (۲۱٪)، حوزه مرکز/کابل (۱۵٪)، شمالشرق (۱۲٪)، شمالغرب (۹٪) جنوبغرب (۹٪)، غرب (۹٪) و شرق (۸٪) راپور داده اند؛ درحالیکه خشونت ناشی از فعالیت نیروهای خارجی بیشتر از شرق (۱۹٪) و جنوبغرب (۱۱٪) گزارش شده است.

- با گذشت زمان، ترس از مشارکت در فعالیت های عامه افزایش یافته است. نیمی از جوآبدهندگان (۵۱٪) گفتند که از اشتراک نمودن در فعالیت های عامه جهت حل مشکلات محل هرآسی ندارند، اما این یگانه موردیست که اکثریت سروی شده گان بدون ابراز ترس از اشتراک در آن دم میزنند. تناسب جوآبدهندگانیکه از اشتراک در انتخابات ملی هراس داشتند بین سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ افزایش چشمگیری را نشان میدهد (از ۵۱٪ در سال ۲۰۰۹ به ۶۰٪ در سال ۲۰۱۰). این موضوع فعلاً در خصوص اکثریت جوآبدهندگان جنوبغرب (۸۳٪)، جنوبشرق (۷۸٪)، شرق (۶۹٪)، غرب (۶۴٪) و شمالشرق کشور (۶۲٪) صدق میکند.
- حمایت مردم از تلاشهای دولت در راستای بهبود وضعیت امنیتی از طریق مذاکره و آشتی با عناصر مسلح ضد دولت در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ به میزان قابل ملاحظه افزایش یافته است. هشتاد و سه فیصد از جوآبدهندگان از تلاشهای دولت در راستای بهبود وضعیت امنیتی از طریق مذاکره و آشتی با عناصر مسلح ضد دولت پشتیبانی میکنند؛ درحالیکه در سال ۲۰۰۹ صرف ۷۱ فیصد جوآبدهندگان چنین پشتیبانی را ابراز میکردند. سطح پشتیبانی در مناطق شرقی (۸۹٪)، جنوبشرق (۸۵٪) و شمالغرب (۸۵٪) از همه بلند تر بوده اما در مناطق مرکزی/هزاره جات (۷۸٪) در پائین ترین سطح قرار دارد. هشتاد و یک فیصد جوآبدهندگان از پالیسی دولت مبنی بر کمک، ایجاد زمینه های کاری و تهیه مسکن برای کسانیکه اسلحه شانرا به زمین میگذارند و میخوانند دوباره با جامعه بپیوندند، پشتیبانی میکنند، در حالیکه این رقم در سال ۲۰۰۹ هفتاد و یک فیصد بود. مردان (۸۸٪) بمقایسه زنان (۷۸٪) نسبت به این رویکرد دولت بیشتر نظر مثبت دارند. حدود سه ربع تمام جوآبدهندگان (۷۳٪) به این نظر هستند که تلاش های آشتی طلبانه دولت منجر به استقرار ثبات در کشور خواهد گردید.
- تناسب جوآبدهندگانیکه انگیزه های گروه های مسلح ضد دولت را تأیید میکنند از ۵۶٪ در سال ۲۰۰۹ به ۴۰٪ در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است. با اینحال، دست کم نصف جوآبدهندگان در جنوبغرب (۵۲٪)، جنوبشرق (۵۰٪) و غرب کشور (۵۰٪) ابراز میدارند که انگیزه های مخالفین را تا حدی تأیید میکنند.
- ارزیابی افغانها از وضعیت اقتصادی شان در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ مثبت تر است. تعداد بیشتری از افغانها میگویند آنها در حال حاضر نسبت به یک سال گذشته در تمام عرصه های حیات بخصوص از نقطه نظر رفاه اقتصادی خانواده گی (از ۳۱٪ در ۲۰۰۹ به ۴۲٪ در ۲۰۱۰)، موجودیت محصولات در بازار (از ۱۹٪ در ۲۰۰۹ به ۲۷٪ در ۲۰۱۰)، کیفیت رژیم غذایی (از ۲۳٪ در ۲۰۰۹ به ۳۳٪ در ۲۰۱۰) و فرصت های کاری (از ۱۱٪ در ۲۰۰۹ به ۱۷٪ در ۲۰۱۰) در وضعیت بهتری قرار دارند.
- در بخش سهولت ها و خدمات محلی، جوآبدهندگان باز هم از دسترسی به خدمات تعلیمی برای اطفال (۶۸٪)، آب آشامیدنی (۶۳٪) و توانایی گشت و گذار بصورت مصئون در محل (۶۳٪) بیشتر اظهار رضایت کردند. اندکی کمتر از نصف جوآبدهندگان از خدمات مربوط به آبیاری (۴۹٪) و کلنیک ها و شفاخانه ها (۴۶٪) رضایت داشتند. کمترین رضایت را جوآبدهندگان در قسمت مستفید بودن از انرژی برق و دسترسی به زمینه های کاری عنوان کردند. هفتاد و دو فیصد جوآبدهندگان زمینه های کاری و ۶۶٪ آنها دسترسی به انرژی برق را در محل خود بد تلقی کرده اند.

- بیش از نصف جوابدهندگان (۵۴٪) میگویند که از پروژه های انکشافی مربوط به معارف و اعمار پل ها و سرک ها در محل بود و باش شان آگاهی دارند. چهل فیصد سروی شده گان از پروژه های آب آشامیدنی آگاه هستند، سی و نه فیصد راجع به پروژه های صحتی آگاهی دارند و ۲۸٪ شان از پروژه های برق مطلع هستند. متفاوت بودن میزان آگاهی از پروژه های انکشافی در مناطق مختلف حاکی از آنست که پروژه های انکشافی تمویل شده توسط دونه ها در بعضی مناطق کشور بخصوص در مناطق شرقی بیشتر متمرکز میباشند در حالیکه در سایر نواحی بخصوص در مناطق مرکزی/هزاره جات و به میزان کمتری مناطق غربی راجع به کمک های انکشافی آگاهی کمتری وجود دارد.
- رضایت از اجراءات حکومت مرکزی طی سه سال گذشته بصورت تدریجی افزایش یافته است (از ۶۷٪ در سال ۲۰۰۸ به ۷۱٪ در سال ۲۰۰۹ و ۷۳٪ در سال ۲۰۱۰). در سروی سال ۲۰۱۰ بلندترین میزان ارزیابی مثبت از کارکردهای حکومت مرکزی تقریباً در تمام مناطق کشور به ثبت رسیده است. سطح بلند رضایتمندی از پالیسی ها و خدمات حکومتی در شرق، شمالغرب و حوزه مرکز/کابل بملاحظه میرسد. آئنده دستاوردهای حکومت فعلی که به کثرت یاد میشوند شامل بهبود سیستم تعلیمی (۲۷٪)، بازسازی (۲۴٪) و تأمین صلح و ثبات (۲۴٪) میباشند. از طرف دیگر از فساد اداری (۳۷٪)، ناامنی (۳۰٪)، نبود فرصت های کاری (۱۷٪)، و ضعف حکومت (۱۰٪) بمثابه ناکامی های حکومت یاد میشود.
- در سطح محلی جوابدهندگان بیش از همه از اجراءات شورا های ولایتی (۷۸٪) و به تعقیب آن از اجراءات مقامات ولسوالی ها (۶۱٪) و شاروالی ها (۵۳٪) رضایت خود را اظهار نمودند. در سال ۲۰۱۰ میزان رضایت از کارکرد حکومت های محلی افزایش یافته (از ۷۵٪ در ۲۰۰۹ به ۷۸٪) اما در قسمت مقامات ولسوالی ها (از ۶۹٪ در ۲۰۰۹ به ۶۱٪) و مقامات شاروالی ها (از ۵۸٪ در ۲۰۰۹ به ۵۳٪) کاهش یافته است.
- اکثریت سروی شده گان به این نظر هستند که فساد اداری در تمام عرصه های زنده گی و نیز در تمام سطوح حکومت یک مشکل بزرگ میباشند. پنجاه و پنج فیصد جوابدهندگان میگویند فساد اداری در زنده گی روزمره شان مشکل آفرین بوده است. پنجاه فیصد جوابدهندگان فساد اداری را منعی یک مشکل در محل زیست شان، ۵۶٪ در میان مقامات محلی، ۶۵٪ در اداره ولایتی و ۷۶٪ جوابدهندگان فساد اداری را یک مشکل جدی و بزرگ در به سطح کشور میخوانند. حدود نصف جوابدهندگان گمانیکه در موارد مختلف مثلاً مطالبه خدمات صحتی، درخواست برای کار، دریافت اسناد رسمی و تماس با پولیس یا محاکم با ادارات دولتی تماس داشته اند با سطوح مختلف فساد اداری مواجه شده اند.
- اعتماد به نهاد های منتخب در سطح نسبتاً بلند باقی مانده است. نهاد های منتخب از پشتیانی دو سوم حصه جوابدهندگان برخوردار اند بشمول شورا های محلی و جرگه ها (۶۶٪)، شورا های ولایتی (۶۲٪)، شورا های انکشافی محل (۶۱٪) و پارلمان (۵۹٪). شصت و هفت فیصد سروی شده گان به این نظر اند که پارلمان یک ارگان مفید است (بشمول ۲۸٪ جوابدهندگان گمانیکه پارلمان را یک ارگان نهایت مفید میدانند). شصت و چهار فیصد جوابدهندگان میگویند که از کار نماینده گان شان در پارلمان رضایت دارند.
- به سطح ملی ۲۵٪ جوابدهندگان میگویند که امروز نسبت به سال گذشته در اظهار نظریات شان احساس مصنونیت بیشتری مینمایند، در حالیکه ۱۷٪ آنها به این باور اند که اینکار در حال حاضر نسبت به سال گذشته خطر های بیشتری را به دنبال دارد به خصوص در جنوبغرب (۲۷٪)، جنوبشرق (۲۱٪)، و حوزه مرکز/کابل (۲۰٪). نگرانی از مصنونیت فردی (۳۴٪)، نبود امنیت مطمئن در محلات (۲۵٪)، حضور طالبان (۲۴٪) و قیودات وضع شده از جانب حکومت بالای ابراز عقاید سیاسی (۱۱٪) از جمله

بزرگترین موانع فرا راه آزادی بیان شناسایی گردیده اند.

- هشتاد و یک فیصد جوآبدهند گان ميگويند آنها اصول دموكراتيک تساوی حقوق تمام گروهها در خصوص مشارکت و نماينده گی را می پذيرند. اين رقم از سال ۲۰۰۹ بدینسو ثابت اما از سال ۲۰۰۷ به بعد سير نزولی داشته است (از ۹۰ فیصد در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به ۸۴ فیصد در سال ۲۰۰۸ و ۸۰ فیصد در ۲۰۰۹ و بالاخره در سال ۲۰۱۰ به ۸۱ فیصد رسیده است). با این وصف، سطح حمایت از اپوزیسیون سیاسی صلح آمیز در سال ۲۰۱۰ به ۸۳٪ رسیده که مبین افزایش قابل ملاحظه آن بعد از سقوط متواتر از ۸۴٪ در سال ۲۰۰۶ به ۸۱٪ در سال ۲۰۰۷، ۷۸٪ در سال ۲۰۰۸ و ۷۷٪ در سال ۲۰۰۹ میباشد.
- در سال ۲۰۱۰ باز هم مردم از انتخابات تصور مثبت داشتند. حدود سه ربع (۷۴٪) جوآبدهند گان ميگويند آنها باورمند هستند که انتخابات باعث بهبود امور در کشور شده اند. مع الوصف، در سال ۲۰۱۰ اعتماد مردم نسبت به نهاد های مربوط به انتخابات بشمول کمیسیون مستقل انتخابات (از ۶۷٪ در سال ۲۰۰۹ به ۵۴٪ در سال ۲۰۱۰) و احزاب سیاسی (از ۴۷٪ در سال ۲۰۰۹ به ۴۳٪ در سال ۲۰۱۰) کاهش یافته است.
- اکثریت جوآبدهند گان (۵۴٪) بدین باور اند که انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ انتخابات آزاد و عادلانه بودند. اما این رقم نسبت به ۶۴٪ جوآبدهند گان که در سال ۲۰۰۹ قبل از برگزاری انتخابات پیشبینی نموده بودند که انتخابات آزاد و عادلانه خواهند بود، کاهش یافته است. این باور که انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ آزاد و عادلانه نبودند بیشتر در جنوبشرق (۴۷٪)، جنوبغرب (۴۴٪)، مناطق مرکزی/هزاره جات (۲۹٪)، شمالغرب (۲۷٪) و شرق کشور (۲۷٪) شایع بود. جوآبدهند گانیکه مدعی بودند انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ آزاد و عادلانه نبود، یک سلسله مشکلات از قبیل تقلب در شمارش آرا (۴۰٪) و خریدن رای (۳۳٪) را منحصی دلایل دال بر این باور شان عنوان کردند. یک تعداد کم (۷٪) ادعان داشتند که مردان به عوض زنان رای دادند.
- این سروی در جون سال ۲۰۱۰ صورت گرفت در حالیکه انتخابات پارلمانی قرار بود در ماه سپتامبر یعنی سه ماه بعد از زمان سروی صورت گیرد. در تاریخ مذکور ۷۸٪ فیصد جوآبدهند گان از انتخابات آگاه بودند. میزان آگاهی عامه از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ نسبت به آگاهی از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ (۸۵٪) در سطح پائینتر قرار داشت و نیز نسبت به سطح آگاهی عامه از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ که سه ماه قبل از تاریخ برگزاری آن ۹۱٪ مردم از آن آگاهی داشتند، سقوط قابل ملاحظه را نشان میدهد. حدود سه چهارم حصه (۷۴٪) جوآبدهند گان گفتند که در انتخابات پارلمانی رای خواهند داد و ۳۹٪ شان گفتند که به گمان اغلب رای خواهند داد. این ارقام مشابه ارقام مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۰۹ هستند، هر چند در سال ۲۰۰۹ حدود نصف جوآبدهند گان (۴۸٪) گفتند که به گمان اغلب رای خواهند داد. اما دیده شد که اراده مردم برای اشتراک در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ بمراتب بالاتر از میزان واقعی اشتراک شان در این انتخابات بود که تقریباً ۴۰٪ محاسبه شده است.
- مانند سالهای گذشته، تعلیم و سوادآموزی (۳۱٪) در جمع مشکلات عمده زنان افغان باقی مانده است. میزان حمایت از تساوی جنسیت (جندر) بشمول فرصت های همسان تعلیمی (۸۷٪) باز هم بالا ثبت شده است. تناسب کسانیکه طرفدار کار زنان در بیرون از خانه هستند همه ساله کاهش یافته است که از 71 فیصد در ۲۰۰۶ به پائین ترین حد خود (۶۴٪) در سال ۲۰۱۰ رسیده است.
- رادیو هنوز هم بیشترین رسانه قابل دسترس برای خانواده های افغان بشمار میرود. هشتاد و دو فیصد جوآبدهند گان ميگويند که یک رادیوی فعال دارند و نیز تعداد کسانیکه در مناطق روستایی رادیو دارند

تفاوت کمی با آن تعداد ساکنین شهر ها دارند که یک رادیوی فعال دارند. سایر ابزار تکنالوژی ارتباطی مانند تلویزیون، تلفون های همراه و کمپیوتر ها در شهر ها نسبت به مناطق روستایی بیشتر در دسترس قرار دارند. کمتر از نصف جوآبدهندگان (۴۶٪) بیشتر از رادیو برای اطلاع از اخبار استفاده میکنند در حالیکه ۲۸٪ سروی شده گان به این منظور از تلویزیون استفاده میکنند. از هر پنج تن یکن (۱۹٪) برای بدست آوردن اخبار و معلومات از دوستان و خانواده استفاده میکنند. خانواده های دارای سطح عاید پائین تر هنوز هم کمترین دسترسی به رادیو (۶۸٪) و تلویزیون (۶۹٪) را دارند.

- سال ۲۰۱۰ شاهد افزایش مالکیت تلفون های همراه نسبت به سالهای گذشته بوده است. در حال حاضر اکثریت جوآبدهندگان (۵۹٪) به این تکنالوژی دسترسی دارند.

۲.۱ خلاصه

در سروی سال ۲۰۱۰ دیده شد که تعداد بیشتر جوآبدهندگان بمقایسه سروی سال ۲۰۰۹ و ۲۰۰۸ بدین باور اند که کشور در مسیر درست در حرکت است و تعداد کمتری میگویند که کشور در مسیر نادرست حرکت مینماید.

همانند سالهای گذشته امسال نیز امنیت بمثابه یک نگرانی اصلی افغانها و یک فکتور مهمی که توسط آن افغانها پیشرفت و مسیر انکشاف کشور شانرا داوری میکنند، باقیمانده است. امنیت خوب به حیث عامل اصلی خوشبینی جوآبدهندگان ارائه میگردد، هرچند امسال تعداد کمتری از جوآبدهندگان نسبت به سال ۲۰۰۹ آنرا تذکر داده اند. به همین ترتیب ناامنی نیز بحیث دلیل عمده بدبینی شناخته شده است که نسبت به سال ۲۰۰۹ امسال تعداد بیشتری از جوآبدهندگان به آن اشاره کردند.

ناامنی (بشمول حملات، خشونت و تروریزم) بزرگترین مشکل افغانستان تلقی میگردد، بخصوص در جنوبشرق، غرب و جنوبغرب کشور. علاوه، شرایط امنیتی محدودیت های بیشتری را در گشت و گذار سروی کننده گان در سال ۲۰۱۰ در تمام مناطق به استثنای مناطق مرکزی/هزاره جات بار آورده بود که مبین این حقیقت است که ناامنی فعلاً نقاط بیشتر کشور را متأثر ساخته است. با توجه به محدودیت دسترسی سروی کننده گان به نقاط نامن، ارزیابی وضعیت امنیتی کشور در سروی سال ۲۰۱۰ باید بصورت محتاطانه تعبیر و تفسیر گردد.

میزان هراس از بابت مصئونیت شخصی و اشتراک در فعالیت های مختلف عامه پیوسته در حال افزایش است هرچند دلایل آن در مناطق مختلف کشور فرق میکند. در حالیکه چنین بنظر میرسد که نگرانی ها از مصئونیت شخصی در مناطق جنوبی و غرب کشور با ناامنی ها در سطح محلی مرتبط باشند، در شمالشرق و جنوبشرق اینچنین احساس خطر ناشی از افزایش میزان جرایم و خشونت ها میباشد که توسط سروی شده گان تجربه شده اند.

در سال ۲۰۱۰ یگانه فعالیتی که اکثریت سروی شده گان گفتند میتوانند بدون هراس در آن اشتراک کنند، حل و فصل مشکلات محلی است. تعداد سروی شده گانیکه از اشتراک در انتخابات ملی ابراز ترس نمودند نسبت به سال ۲۰۰۹ که انتخابات با گزارش های مبنی بر تهدید و ارا عاب رای دهنده گان توسط عناصر ضد دولت، و اتهامات مبنی بر تقلب گسترده همراه بود، بیشتر است. در سال ۲۰۱۰ سروی شده گان در پنج زون از مجموع هشت زون از اشتراک در انتخابات اظهار هراس نمودند. همچنان در مورد سایر فعالیت های عامه مانند کاندیداتوری برای پست های انتخابی و اشتراک در مظاهرات صلح آمیز نیز به عین پیمانه هراس وجود دارد.

کسانیکه عملاً قربانی جرم و خشونت شده اند تعداد شان نسبتاً کمتر است، هرچند گزارشات از اعمال جرمی که افراد قربانی آنها شده اند در شمالشرق و جنوبشرق کشور افزایش یافته اند. قربانیان در اکثریت موارد جرایم را به پولیس ملی گزارش میدهند، بخصوص در شهر ها که دسترسی به پولیس آسان تر است. علاوه بر آن جرایم به سایر ارگانهای حکومتی و نهاد های اجتماعی بشمول ولسوال ها، اردوی ملی، شورا ها/بزرگان محلی، بزرگان اقوام/ملک ها و علماء نیز گزارش داده میشوند. اردوی ملی و پولیس ملی امسال نیز موقف خویش را منحصیث مورد معتمد ترین ارگانهای عامه حفظ نموده اند طوریکه اکثریت جوآبدهندگان به این باور اند که این دو نهاد در اجرای

وظایف شان موفق هستند، هر چند آنها همچنان فکر میکنند که هر دو ارگان یعنی اردوی ملی و پولیس ملی غیر مسلکی بوده و بدرستی آموزش ندیده اند و به کمک نیروهای خارجی احتیاج دارند. از طرف دیگر تعداد جوآبدهند گانیکه فکر میکنند پولیس ملی در بهبود امنیت ممد واقع میشود نسبت به سال گذشته کاهش یافته است.

پشتیبانی جوآبدهند گان از تلاشهای دولت در راستای بهبود وضعیت امنیتی از طریق مذاکره و ادغام مجدد عناصر مسلح ضد دولت در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ بیشتر بود. چنین حالت مبین آنست که تعداد بیشتری از مردم افغانستان اینک طرفدار راه حل سیاسی برای کشمکش های جاری در کشور میباشند، نه صرف راه حل نظامی. بلند ترین سطح پشتیبانی از مفکوره ادغام مجدد عناصر مسلح ضد دولت در شرق و غرب کشور، جائیکه در عین زمان سطح بلند تائید انگیزه های مخالفین نیز وجود دارد، به ثبت رسیده است. زنان نسبت به مردان کمتر طرفدار تلاشهای دولت برای ادغام مجدد مخالفین میباشند و کمتر به این نظر اند که ادغام مجدد عناصر مسلح ضد دولت باعث استقرار ثبات در کشور خواهد گردید. هزاره ها بیشترین تعداد جوآبدهندگانی را تشکیل میدهند که گفتند پروسه ادغام مجدد باعث تامین ثبات در کشور خواهد گردید، اما پشتیبانی آنها از روند مذاکره دولت با ملیشه های سابق و ادغام مجدد آنها در پائین ترین حد قرار داشت. این بدان معناست که سطح پائین پشتیبانی از تلاش های دولت برای ادغام مجدد در این منطقه با نگرانی های امنیتی و ثبات مرتبط نمیشد.

ارزیابی افغانها از وضعیت اقتصادی شان در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ خوشبینانه تر بود. تعداد بیشتری از افغانها میگویند که آنها فعلاً نسبت به سال گذشته در همه عرصه ها بخصوص از نقطه نظر وضعیت مالی خانواده های شان در حالت بهتری قرار دارند. به هر حال، تمام افغانها بصورت مساویانه از این امتیاز برخوردار نیستند، چنانچه کسانیکه در کتگوری اشخاص دارای بلندترین عاید قرار میگیرند بیشتر از بهبود وضعیت اقتصادی شان طی سال گذشته حرف زدند تا جوآبدهندگانی که در کتگوری اشخاص دارای پائین ترین عاید قرار میگیرند. بنظر میرسد اشتغال یا دسترسی به کار، عمده ترین عاملی باشد که نظر سروی شده گان در مورد رفاه اقتصادی شان را شکل میدهد. بیکاری یکبار دیگر در سال ۲۰۱۰ منحصی بزرگترین مشکل چه در سطح ملی و چه در سطح محلی عنوان گردید و اکثریت جوآبدهندگان از کارکرد دولت در حصه رونق دهی و رشد اقتصاد و ایجاد زمینه های کاری اظهار نارضایتی کردند.

در پهلوی بیکاری، نبود زیربناها و خدمات عامه مانند برق، سرک ها، آب و مراقبت های صحی هنوز هم در صدر فهرست مشکلات محلی قرار دارند. جوآبدهندگان هنوز هم از سطح تامین انرژی برق ناراضی بودند که البته از انرژی برق در شرق، غرب و شمالغرب کشور بمثابة مهمترین ضرورت یادآوری گردیده است. در حوزه مرکز/کابل، جنوبغرب و شمالشرق مشکل سرک در صدر اولویت ها قرار دارد. در حالیکه در جنوبشرق کشور آب، مخصوصاً برای آبیاری، مهمترین ضرورت عنوان گردید، در مناطق مرکزی/هزاره جات از عرضه خدمات صحی به حیث مهمترین ضرورت یادآوری شد. بصورت کل با گذشت زمان بهبود قابل ملاحظه بی در سطح سهولت ها و خدمات صحی بمیان نیامده است و رضایت از خدمات صحی مانند موجودیت کلینیک ها، شفاخانه ها و ادویه از سال ۲۰۰۷ بدینسو کاهش مسلسل نموده است.

از جانب دیگر، جوآبدهندگان راجع به میزان بازسازی و احیای مجدد، که از حیث اهمیت دومین دلیل خوشبینی جوآبدهند گانی میباشد که میگویند کشور در مسیر درست در حرکت است، نظر مثبت دارند. بسان سالهای گذشته، جوآبدهند گان از فراهمی زمینه تعلیم و تحصیل به سطح محلی برای فرزندان شان ابراز رضایت مندی نموده اند، و نیز گشایش مکاتب انات باز هم منحصی یکی از دلایل خوشبینی، هر چند به درجه پائینتر از سال ۲۰۰۹، مطرح گردید.

بسان سالهای گذشته، اکثریت سروی شده گان میگویند که از پروژه های انکشافی که در زمینه های معارف و ساختمان سرک ها و پل ها در مناطق مسکونی شان تطبیق میشوند آگاهی دارند. با این حال، تفاوت در سطح آگاهی جوآبدهندگان از پروژه های انکشافی در مناطق مختلف میرساند که تمرکز بیشتر پروژه های انکشافی که توسط دونه ها تمویل میگردند بالای مناطق مشخص کشور میباشد بخصوص در شرق کشور، در حالیکه جوآبدهندگان در سایر مناطق، مخصوصاً در مناطق مرکزی/هزاره جات و به میزان کمتری در شمالغرب از معاونت های انکشافی آگاهی دارند. این وضعیت احتمالاً ناشی از استراتژی های مراجع تمویل کننده مبنی بر توأم ساختن اقدامات

انکشافی با اقدامات امنیتی میباشد. در واقع، سطح آگاهی از پروژه های مربوط به امنیت مانند ماین پاکي و خلع سلاح و ملکی سازی نیز در شرق و شمالشرق کشور در بلند ترین حد قرار دارد.

در سال ۲۰۱۰ به مقایسه سالهای گذشته اعتماد مردم بالای مؤسسات غیر حکومتی ملی و بین المللی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. این بی باوری توأم با برداشتی است که گویا مؤسسات غیر حکومتی و مراجع تمویل کننده شان اکثرأ تصامیم را بر مبنای منافع خود شان اتخاذ مینمایند تا منافع مردم افغانستان. کاهش اینچنین اعتماد مردم بالای مؤسسات غیر حکومتی ممکن ریشه در تغییر چارچوب قانون حاکم بر کار این مؤسسات نیز داشته باشد که کار آنها را به مردم کمتر قابل دید و لمس میسازد.

رضایت از اجراءات حکومت در طول سه سال گذشته بصورت دوامدار افزایش یافته و در سال ۲۰۱۰ تقریباً در تمام مناطق به بلند ترین حد خود رسیده است. بیشترین رضایت مندی توسط جوابدهندگان مناطق شمالغربی، شرقی و شمالشرقی ابراز گردیده است. اینها همان مناطقی هستند که بیشترین تعداد جوابدهنگانی که گفته اند کشور در مسیر درست در حرکت است در آن قرار دارند.

اجراءات حکومت در بخش عرضه خدمات اساسی عامه مانند تعلیم و تحصیل، مراقبت های صحی و امنیت بیشتر مثبت بوده در حالیکه در عرصه های رشد اقتصادی، اشتغال زایی و مبارزه با فساد اداری کمتر مثبت بوده است. یافته های مذکور با نظریات سروی شده گان پیرامون دسترسی به خدمات و سهولت های اساسی در محلات همخوانی دارند، بناً میتوان چنین نتیجه گیری نمود که ارزیابی مردم از اجراءات حکومت رابطه نزدیک با ظرفیت حکومت در عرضه خدمات اساسی به سطح محلی دارد. بزرگترین دست آورد های حکومت که جوابدهندگان از آنها یاد آوری نموده اند تا حد زیادی شباهت به دلایل خوشبینی جوابدهنگانی دارند که میگویند کشور در مسیر درست در حرکت است. عین موضوع در قسمت ناکامی های عمده حکومت نیز صدق میکند که بازتاب دهنده دلایل بدبینی آنها بوده و حاکی از آنست که جوابدهندگان بدین باور اند که حکومت نقش مهمی را در رهبری کشور بسوی ترقی و انکشاف مثبت بازی مینماید.

در رابطه با اداره و لایتهی، جوابدهندگان بیشتر اجراءات شورا های ولایتی را مثبت ارزیابی مینمایند که به تعقیب آن مقامات ولسوالی ها و شاروالی ها قرار میگیرند. بلند ترین سطح رضایت از اداره ولایتی در مناطق شمالغربی و مرکزی/کابل و کمترین آن در جنوبغرب و جنوبشرق به ثبت رسیده است. میزان رضایت از کارکرد مقامات شاروالی ها در سال ۲۰۱۰ به نسبت سال ۲۰۰۹ در سراسر کشور اما بصورت اخص در مناطق شمالغربی، شمال شرقی، جنوب غربی و مناطق مرکزی/هزاره جات کاهش یافته است. از جانب دیگر، میزان رضایت از کارکرد های مقامات شاروالی ها در شرق، غرب و جنوب شرق کشور از دید یافته است. میزان رضایت از کارکرد های مقامات محلی-روستایی در تمام مناطق به استثنای منطقه مرکزی/هزاره جات در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ سقوط نموده است.

اکثریت جوابدهندگان باز هم به این عقیده اند که فساد اداری در تمام عرصه های زنده گی و تمام سطوح دولت یک مشکل عمده میباشد. در سال ۲۰۱۰ به مقایسه سال ۲۰۰۹ افزایش قابل ملاحظه یی در تعداد جوابدهنگانی بمیان آمده است که فساد اداری را یکی از بزرگترین مشکلات افغانستان تلقی میکنند، و همچنان فساد اداری از دلایل عمده بدبینی جوابدهنگانی میباشد که میگویند کشور در مسیر نادرست حرکت میکند. علاوه، در بحث ناکامی های حکومت تاکید بیشتر بالای فساد اداری صورت گرفته است. این میرساند که جوابدهندگان بدین باور اند که حکومت برای مبارزه با فساد اداری در موقعیت مناسبی قرار داشته اما در مبارزه با این پدیده ناکام بوده است. اینگونه طرز فکر جوابدهندگان ریشه در این تجربه آنها دارد که بین یک سوم حصه الی نصف تمام تماس هایی که با مراجع دولتی برقرار میکنند، فساد اداری در آنها به میزان های مختلف دخیل میباشد.

اعتماد جوابدهندگان بالای ساختار های منتخب رسمی و غیر رسمی نظیر شورای محل و جرگه ها، شورا های ولایتی، شورا های انکشافی محل و پارلمان نسبتاً بلند باقی مانده است. تعداد بیشتری از جوابدهندگان بدین باور اند که حکومت حین اتخاذ تصامیم منافع ملت را در نظر میگیرد تا منافع خود؛ هر چند این مدعا در حصه سایر نهاد های عامه مانند محاکم و پارلمان صدق نمیکند. با این حال، اکثریت جوابدهندگان بخصوص در مناطق شمالغربی،

شرقی، شمال شرقی، غربی و مناطق مرکزی/هزاره جات از وکلایی که در پارلمان از آنها نماینده گی میکنند، اظهار خوشی مینمایند. به استثنای منطقه مرکزی/هزاره جات سایر مناطق متذکره مناطقی اند که جوآبدهندگان در آنها بیشتر از سایرین باورمند هستند که بالای تصامیم حکومت تاثیر وارد نموده میتوانند، و بهمین سان بلندترین میزان رضایت را از اجراءات حکومت مرکزی و عرضه خدمات توسط حکومت نشان میدهند. پس میتوان چنین نتیجه گیری نمود که در مجموع نظریات راجع به نحوه کارکرد وکلا و کارکرد حکومت ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر دارند. برعکس مناطق جنوبغربی و جنوبشرقی بالاترتیب کمترین میزان رضایت را از موارد فوق الذکر نشان میدهند.

پشتیبانی از تطبیق اصول دموکراتیک حکومتداری رقم بلند را حفظ کرده است. در چگونگی آزادی بیان در طی سال گذشته تغییرات کمی وارد گردیده است زیرا بیشتر از جوآبدهندگان اظهار نموده اند که در ابراز نظریات سیاسی خود را مصئون احساس میکنند نسبت به جوآبدهندگان گانیکه گفته اند از ابراز نظر های سیاسی هراس دارند. تناسب بیشتری از جوآبدهندگان پشتون نسبت به هر قوم دیگر گفته اند که در حال حاضر نسبت به یک سال گذشته بیان نمودن مفکوره هایشان چندان عمل مصئون نیست. از موانع موجود در سر راه آزادی بیان بیشتر در جنوبغرب، جنوبشرق و حوزه مرکز/کابل یادآوری گردید. همچنان مناطق جنوبی مناطقی اند که در آنها مشکل ناامنی منحیث بزرگترین مشکل در محل توصیف میگردد. از پاسخ ها بر می آید که شرایط امنیتی محلی و ضمانت آزادی بیان فکتور های اساسی اند که به مردم اطمینان میدهند تا با اطمینان خاطر به ابراز نظریات شان پردازند.

سطح موافقت با اصول دموکراتیک تساوی حقوق مبنی بر مشارکت و نماینده گی برای تمام گروه ها و اقشار بلند باقی مانده، اما سیر نزولی را که از سال ۲۰۰۶ بدینسو جریان دارد معکوس نمی سازد. با این حال، سطح پشتیبانی از مجاز دانستن فعالیت های صلح آمیز مخالفین، پس از کاهش مسلسل از سال ۲۰۰۶ بدینسو، در سال ۲۰۱۰ افزایش قابل ملاحظه را نشان میدهد. در سال ۲۰۱۰ اکثریت جوآبدهندگان با این نظر موافق بودند که یک شخص باید به همان طریقه رای بدهد که مردم محل وی رای میدهند، نه به طریقه که وی شخصاً می پسندد، هرچند این رقم از سال ۲۰۰۸ به این طرف در حال نزول است. صرف در شمالشرق کشور اکثریت جوآبدهندگان گفته اند که هرکس باید بتواند مطابق میل خود رای بدهد.

زمانیکه سروری در ماه جون ۲۰۱۰ صورت گرفت، و موعد انتخابات پارلمانی ماه سپتامبر تعیین شده بود، بیشتر از سه برچهار حصه جوآبدهندگان از این انتخابات آگاهی داشتند و عین تعداد گفتند که قصد دارند رای بدهند. سطح آگاهی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ پائین تر بود هرچند اراده برای رای دهی تقریباً در عین سطح قرار داشت. اما دیده شد که اراده مردم برای اشتراک در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ بمراتب بالاتر از میزان واقعی اشتراک شان در این انتخابات بود که تقریباً ۴۰٪ محاسبه شده است.

در سال ۲۰۱۰ باز هم مردم از انتخابات تصور مثبت دارند. حدود سه بر چهار جوآبدهندگان میگویند آنها باورمند هستند که انتخابات باعث بهبود امور در کشور شده است. اما سال ۲۰۱۰ شاهد کاهش قابل ملاحظه اعتماد مردم بالای نهادهای مربوط انتخابات است. اعتماد مردم بالای کمیسیون مستقل انتخابات نسبت به سال ۲۰۰۹ کمتر شده است. این کاهش ممکن به سبب اجراءات این کمیسیون در انتخابات سال ۲۰۰۹ باشد که در آن کمیسیون به مدیریت ضعیف و تبعیض متهم گردید. اعتماد مردم بالای احزاب سیاسی نیز در آستانه انتخابات سال ۲۰۰۹ افزایش یافت اما در سال ۲۰۱۰ دوباره تا سطحی که در سال های قبل ثبت شده بود، پائین آمد.

انتخابات سال ۲۰۰۹ واضحاً بالای اعتماد مردم و میل جوآبدهندگان برای اشتراک در انتخابات اثر گذار بود. در حالیکه اکثریت کوچک جوآبدهندگان میگویند که انتخابات سال ۲۰۰۹ آزاد و عادلانه بودند، این رقم بمراتب پائین تر از تعداد کسانی است که قبل از برگزاری انتخابات میگفتند توقع دارند که انتخابات آزاد و عادلانه باشد. مشکلات انتخابات سال ۲۰۰۹ که در سروری به آن اشاره شد شامل تقلب در شمارش آراء، خریدن آراء، وضع محدودیت بالای اشتراک زنان در انتخابات از قبیل رای دادن مردان عوض زنان و مانع شدن شوهران زنان شانرا از اشتراک در انتخابات، و تهدید رای دهنده گان و فعالین احزاب بودند. بررسی پاسخ ها نشان میدهد که بیشترین جوآبدهندگانیکه گفتند در انتخابات سال ۲۰۱۰ اشتراک خواهند کرد کسانی بودند که فکر میکردند انتخابات سال ۲۰۰۹ آزاد و عادلانه بود، و نیز به این نظر بودند که انتخابات باعث بهبود کشور گردیده اند که بیانگر این حقیقت

میباشد که اعتماد بالای چگونگی روند انتخابات بالای میل مردم برای اشتراک در انتخابات تاثیر فوق العاده مثبت دارد.

اکثریت جوآبدهندگان مطمئن بودند که حکومت افغانستان توانایی راه اندازی مستقلانه انتخابات سال ۲۰۱۰ را دارد، در عین حال اکثریت جوآبدهندگان در تمام مناطق به استثنای مناطق جنوبغرب و جنوبشرق به این باور بودند که جامعه جهانی هنوز هم باید در این پروسه به کمک هایش ادامه دهد.

بسان سال های گذشته بیسودی و عدم دسترسی به تعلیم و تحصیل منحیث بزرگترین مشکلات زنان در افغانستان باقی مانده اند. بیکاری دومین مشکل بزرگ زنان عنوان گردید بخصوص در شمالغرب و شمالشرق کشور که به تعقیب آن مناطق مرکزی/هزاره جات، حوزه مرکز/کابل و مناطق غربی قرار میگیرند. اینها در عین زمان مناطقی هستند که بیکاری را یک معضله بزرگ به سطح ملی و محلی میدانند. از این نکته بر می آید که نگرانی ها در خصوص عدم موجودیت فرصت های کاری برای زنان بخشی از نگرانی های عمومی در این خصوص را تشکیل داده و صرف یک مشکل مختص به زنان نمیباشد. همچنان حوزه مرکز/کابل، مناطق مرکزی/هزاره جات، شمالغرب و شمالشرق در عین حال مناطقی اند که بیشترین جوآبدهندگان میگویند به زنان باید اجازه کار در بیرون از منزل داده شود. این بدان معناست که در این مناطق تقاضا و فرصت های کار برای زنان بیشتر است.

اظهار پشتیبانی از تساوی جنسیت (جندر) بشمول تساوی فرصت های تحصیلی برای زنان در حد بلند باقی مانده است. مع الوصف، موافقت با کار زنان در بیرون از منزل در سال ۲۰۱۰ به پائین ترین حد خود سقوط نموده است. خود زنان، اشخاص دارای سنین پائین تر و خانواده های دارای سطح پائین عاید گروههایی اند که بیشتر طرفداری شانرا از کار زنان در بیرون از منزل اعلام نمودند. این نکته میرساند که خانواده های دارای عاید پائین این موضوع را درک میکنند که در صورتی که زنان شان هم، کار با مزد داشته باشند، عایدات خانواده گی شان افزایش خواهد یافت.

زنان باز هم نسبت به مردان بیشتر معتقد به تقسیم مساویانه رهبری سیاسی بودند، در حالیکه بین نظریات هر دو جنس در حصه داشتن نماینده زن در یک سلسله ارگانهای انتخابی اندکی تفاوت وجود داشت. مخالفت با داشتن نماینده زن در ساختار های انتخابی نزدیک به سطح محلی مانند شورا ها/جرگه ها، شورا های انکشافی محل، و شورا های انکشافی ولسوالی کمتر بوده اما در قسمت نهاد های منتخب عالی مانند شورای ولایتی و پارلمان بیشتر اند.

رادیو هنوز هم رسانه ئی با بیشترین قابلیت دسترسی برای خانواده های افغان بشمار میرود، در حالیکه مالکیت تلویزیون و استفاده از آن برای خیر شدن از اخبار و کسب معلومات، بخصوص در مناطق شهری، پیوسته در حال افزایش است. خانواده های دارای سطح عاید پائین هنوز هم از همه کمتر به تلویزیون و رادیو دسترسی دارند، پس میتوان چنین نتیجه گیری نمود که رساندن معلومات به خانواده های فقیر در افغانستان از طریق رسانه های برقی چالش هایی را به همراه دارد. از سال ۲۰۰۹ به این طرف اکثریت جوآبدهندگان تیلیفون موبایل دارند و تعداد آنها پیوسته در حال افزایش است. مالکیت کمپیوتر نیز از سال ۲۰۰۸ الی سال ۲۰۱۰ دوچند گردیده است، هرچند تناسب جوآبدهندگانیکه کمپیوتر دارند به مقایسه آنانی که مالک سایر انواع تکنالوژی ارتباطی هستند، کمتر است. صرف در حوزه مرکز/کابل بخش اعظم جوآبدهندگان اخبار و معلومات را بیشتر از تلویزیون بدست می آورند تا رادیو، درحالیکه در مناطق مرکزی/هزاره جات، جائیکه دسترسی به رادیو و تلویزیون کمتر است، دوستان و اعضای فامیل هنوز هم منبع اصلی کسب اخبار و معلومات راجع به وقایع جاری را تشکیل میدهند.

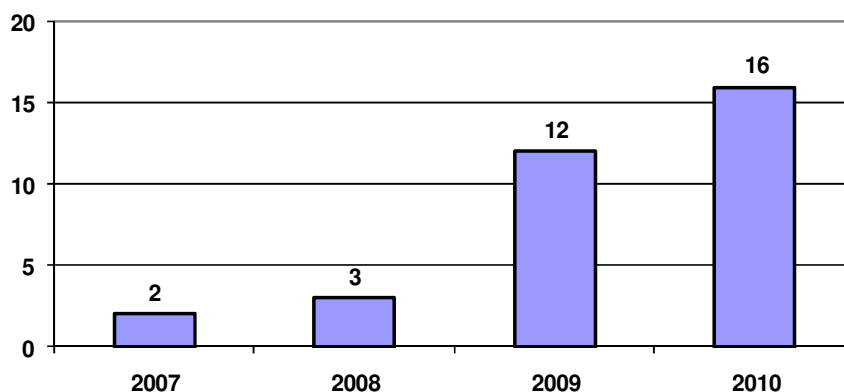
از ارتباطات شفاهی نیز کما فی السابق برای آگاهی از خبر ها و معلومات به پیماننه وسیع استفاده میشود طوریکه بیش از نصف جوآبدهندگان گفتند آنها بدین منظور از جلسات محلی و خطابه ها در مساجد استفاده میکنند. این حقیقت بیانگر آنست که شیوه های سنتی پخش معلومات در جامعه افغانی هنوز هم حایز اهمیت میباشد. سروی شده گان مانند گذشته امسال هم گفتند ترجیح میدهند اخبار و معلومات در مورد وقایع محلی را از آشنایان و دوستان شان بدست آرند تا بزرگان و منتفدین محلی، اما ناگفته نباید گذاشت که تناسب جوآبدهندگانیکه امسال این حرف را میزنند نسبت به سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است. از جانب دیگر، شهرت رادیو های محلی و بین المللی منحیث منبع

معلومات وقایع و رخداد های محلی در حد قابل ملاحظه بی افزایش یافته طوریکه از سال ۲۰۰۸ الی سال ۲۰۱۰ دوچند گردیده است.

۳.۱ محدودیت ها در کار ساحوی سروی و تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری بنابر دلایل امنیتی

بنا بر نگرانی های امنیتی در سال ۲۰۱۰ سروی کننده گان نسبت به سال های گذشته با محدودیت های بیشتر گشت و گذار مواجه بودند که در اثر آن تصمیم گرفته شد تا نقاط نمونه گیری مناطق ناامن با نقاط دیگری در مناطق امن تر تغییر و تبدیل گردند. در سال ۲۰۱۰، بنا بر دلایل امنیتی لازم افتاد تا در ۱۶٪ مجموع نقاط نمونه گیری تغییر و تبدیلی هایی بعمل آید. این فیصدی نسبت به فیصدی تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری سروی سال ۲۰۰۹ که ۱۲٪ فیصد بود بلند تر بوده و نیز بمراتب بلند تر از تغییر و تبدیلی نقاط نمونه گیری سروی سال ۲۰۰۸ (۳٪) و ۲۰۰۷ (۲٪) که اصلاً از نظر احصائیوی قابل توجه نبودند، میباشد.

تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری بنابر مشکلات امنیتی (ضمیمه ۲: میتودولوژی) مقایسه میان سالهای ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰



این بدان معناست که احتمال آن وجود دارد که در سروی سال ۲۰۱۰ یافته های مربوط به امنیت و سایر معضلاتی که بُعد امنیتی شان یک فکتور مهم تلقی میگردد تصویر دقیقی از میزان واقعی ناامنی ها ارائه نموده نتوانند زیرا سروی کننده گان قادر به سروی بعضی مناطق در بخش های ناامن کشور نبودند.

در سال ۲۰۰۷ لازم افتاد تا ۱۱ نقطه از جمله ۶۲۶ نقطه نمونه گیری تغییر و تبدیل گردند زیرا نقاط مذکور بنابر مشکلات امنیتی خارج از دسترس قرار داشتند (۲٪ تمام نقاط نمونه گیری). بیش از نصف این تغییر و تبدیلی ها صرف در یک منطقه صورت گرفت که عبارت از منطقه جنوبشرق بود (۵۵٪ یا ۶ نقطه نمونه گیری)، و همچنان بیش از یک چهارم تبدیلی ها در منطقه دومی - منطقه جنوبغرب (۲۷٪ یا ۳ نقطه نمونه گیری) - صورت گرفت. یک مورد تغییر و تبدیل نقطه نمونه گیری به اثر مشکلات امنیتی در غرب کشور و یک مورد دیگر در حوزه مرکز/کابل صورت گرفت. در سایر مناطق کشور هیچ نوع تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری بنابر دلایل امنیتی لازم نشد.

در سال ۲۰۰۸ به تعداد ۱۸ نقطه نمونه گیری از مجموع ۶۵۹ نقطه بنابر دلایل امنیتی تغییر و تبدیل گردیدند (۳٪ تمام نقاط نمونه گیری). باز هم قسمت اعظم این تبدیلی ها در جنوبشرق (۶ تغییر و تبدیل معادل ۳۳٪) و جنوبغرب (۵ تبدیل معادل ۲۸٪) صورت گرفت اما سایر تبدیلی ها در هفت زون از جمله هشت زون مورد نظر

صورت گرفت که منطقه شمالغربی از آن مستثنا بود. دو نقطه نمونه گیری در شرق و غرب و یک یک نقطه نمونه گیری در هر یک از مناطق شمالشرقی، منطقه مرکزی/هزاره جات و حوزه مرکز/کابل تغییر و تبدیل گردیدند.

در سال ۲۰۰۹ تعداد مجموعی تغییر و تبدیلی های نقاط نمونه گیری از بابت نگرانی های امنیتی به ۱۲٪ افزایش یافت. در این سال از جمله ۸۲۳ نقطه نمونه گیری ۱۰۲ نقطه آن برای سروی کننده گان غیر قابل دسترس بود و ضرورت تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری در تمام مناطق احساس گردید. مزید بر آن، تعداد ساحات ناامن که قابل دسترسی نبودند دست کم در جنوبشرق (از ۶ به ۱۸) و جنوبغرب (از ۵ به ۱۷) سه چند گردیده و در تمام مناطق دیگر نیز بگونه عجیبی افزایش یافتند طوری که در شرق و غرب کشور از ۲ به ۱۴، در حوزه مرکز/کابل از ۱ به ۱۳ و در شمالشرق از ۱ به ۱۱ نقطه نمونه گیری رسیدند. در شمالغرب کشور جائیکه در سال ۲۰۰۸ هیچ تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری ضرورت نشده بود، در سال ۲۰۰۹ بنابر دلایل امنیتی ۱۳ مورد تغییر و تبدیل این نقاط صورت گرفت. به همین ترتیب در مناطق مرکزی/هزاره جات نیز دو مورد تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری صورت گرفت درحالی که در سال ۲۰۰۸ یک مورد تغییر و تبدیل صورت گرفته بود.

در سال ۲۰۱۰ به تعداد ۱۳۸ نقطه نمونه گیری از مجموع ۸۸۵ نقطه نمونه گیری بنابردلایل امنیتی برای سروی کننده گان غیر قابل دسترس بود (۱۶٪ تمام نقاط نمونه گیری). باز هم تعداد تغییر و تبدیلی ها در اکثریت مناطق بطور قابل ملاحظه یی افزایش یافت. مناطقی که بیشتر متاثر گردیده اند بازهم جنوبشرق (۲۸ مورد تغییر و تبدیل در سال ۲۰۱۰ بمقایسه ۱۸ مورد در سال ۲۰۰۹)، جنوبغرب (۲۴ مورد تغییر و تبدیل در سال ۲۰۱۰ بمقایسه ۱۷ مورد در سال ۲۰۰۹) و شرق کشور (۲۱ مورد تغییر و تبدیل در سال ۲۰۱۰ بمقایسه ۱۴ مورد در سال ۲۰۰۹) میباشند. اوضاع صفحات شمال در سال ۲۰۱۰ بازهم با جنوب و شرق کشور مشابهت داشت. در شمالشرق کشور بیست و سه مورد تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری صورت گرفت در حالی که در سال ۲۰۰۹ یازده مورد بود. همچنان در صفحات شمالغرب کشور در سال ۲۰۱۰ بیست نقطه نمونه گیری برای سروی کننده گان غیر قابل دسترس بود در حالی که در سال گذشته تعداد چنین نقاط ۱۳ بود. در صفحات غرب کاهش اندکی در نیاز برای تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری رخ داد طوری که تعداد این تغییر و تبدیلی ها از ۱۴ به ۱۲ مورد پائین آمد همچنان در حوزه مرکز/کابل این تعداد از ۱۳ مورد به ۱۰ مورد نزول یافت. محدودیت دسترسی سروی کننده گان به نقاط مختلف نمایانگر اوج گرفتن موج ناامنی ها در کشور میباشد. در سال ۲۰۱۰ منطقه مرکزی/هزاره جات یگانه منطقه یی بود که ایجاب تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری از اثر مشکلات امنیتی را نمود.

تعداد واقعی موارد تغییر و تبدیل نقاط نمونه گیری به سبب مشکلات امنیتی (به ضمیمه ۲: میتودولوژی یا شیوه و طریقه مراجعه کنید) مقایسه تمام مناطق در سالهای ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰

تعداد نقاط نمونه گیری که بنابر دلایل امنیتی تغییر و تبدیل گردیدند	مجموعه	حوزه مرکز/کابل	شرق	جنوبشرق	جنوبغرب	غرب	شمالشرق	مناطق مرکزی/هزاره جات	شمالغرب
۲۰۰۷	۱۱	۱	۰	۶	۳	۱	۰	۰	۰
۲۰۰۸	۱۸	۱	۲	۶	۵	۲	۱	۱	۰
۲۰۰۹	۱۰۲	۱۳	۱۴	۱۸	۱۷	۱۴	۱۱	۲	۱۳
۲۰۱۰	۱۳۸	۱۰	۲۱	۲۸	۲۴	۱۲	۲۳	۰	۲۰